University of Sistan and Baluchestan

Journal of Historical Researches of Iran and Islam

Print ISSN: 2345 - 2099
Online ISSN: 2717 - 2953

The Challenges of the Ottoman Diplomatic Corps in Iran during World War I (With Emphasis on the Reports of Asim Bey, The Ottoman Ambassador in Tehran)

Mahdi Vaziniafzal ✉[1] **Seyed Ahmad Mosavi**, [2]

1. (Corresponding Author),Assistant Professor, Department of History, University of Jiroft, Iran. E-mail: *Drmahdivazin@ujiroft.ac.ir*
2. Assistant Professor, Department of History, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: *Ahmadmoosavi@pnu.ac.ir*

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 6May2024

Received in revised form:5Sept2024

Accepted: 29Septe2024

Publishedonline:5Nove2024

Key word:

Iran,
Tehran,
Ottomans,
Ottoman Ambassador,
Asim Bey,
World War I,
Foreign policy.

ABSTRACT

During World War I, the Ottoman government attempted to pursue an active policy in Iran. The primary goal of the Ottoman diplomatic service was to convince Iranian officials to join a military alliance with the Ottomans, counter Russian influence in Azerbaijan, and support Ottoman military objectives in Afghanistan and India. To achieve these objectives, Mustafa Asim Bey, a prominent Turkish diplomat, was appointed as the new ambassador in Tehran. Asim Bey and his colleagues focused on soft politics and building influence among constitutionalist leaders and tribes in western Iran. In contrast, the Ottoman military, under the leadership of Rauf Bey, pursued an aggressive approach and used force to combat Allied propaganda. These differing strategies created a significant challenge between Ottoman diplomats and military personnel in Iran, greatly impacting Ottoman macro-policies, including the alliance plan. Despite Asim Bey's efforts, Iran ultimately declined to join the Ottoman alliance, the "Great Jihad" plan in Iran fell short of its objectives, and attempts to establish anti-Russian and anti-British policies in western and southwestern Iran were unsuccessful. Throughout his two-year tenure in Tehran, Asim Bey engaged in extensive correspondence with high-ranking officials in Istanbul, as well as Ottoman and German military and political figures. This article aims to analyze and explore the diplomatic obstacles faced by the Ottoman government in Iran through the lens of Ottoman sources, by examining the documents left behind by Asim Bey in the "Turkish Archives".

Cite this article: **Vaziniafzal, Mahdi & Mosavi, Seyed Ahmad** (2024). ***The Challenges of the Ottoman Diplomatic Corps in Iran during World War I(With Emphasis on the Reports of Asim Bey, the Ottoman Ambassador in Tehran)***. Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vo2 18, No.35 Pages: 260-291.

DOI. 10.22111/jhr.2025.49463.3711

© The Author: **Mahdi Vaziniafza & Seyed Ahmad Mosavi**
Publisher: University of Sistan and Baluchestan

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام
شاپا چاپی: ۲۳۴۵-۲۰۹۹
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۵۳

چالش‌های دستگاه دیپلماسی عثمانی در ایران طی جنگ جهانی اول (با تأکید بر گزارش‌های عاصم بیگ سفیر عثمانی در تهران)

مهدی وزینی افضل[۱] سید احمد موسوی[۲]

[۱]. (نویسنده مسئول) استادیار گروه تاریخ، دانشگاه جیرفت،کرمان. ایران ، رایانامه: Drmahdivazin@ujiroft.ac.ir
[۲]. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران رایانامه: Ahmadmoosavi@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:۱۴۰۳/۰۲/۱۷
تاریخ بازنگری:۱۴۰۳/۰۶/۱۵
تاریخ پذیرش:۱۴۰۳/۰۷/۰۸
تاریخ انتشار:۱۴۰۳/۰۸/۱۵

واژه‌های کلیدی:
ایران،
تهران،
عثمانی،
سفیرعثمانی،
عاصم بیگ،
جنگ جهانی اول،
سیاست خارجی.

چکیده

در طول جنگ جهانی اول، دولت عثمانی سعی کرد سیاستی فعال را در ایران پیش بگیرد. وظیفه اصلی دستگاه دیپلماسی عثمانی، ترغیب مقامات ایرانی به پیوستن به اتحاد نظامی با عثمانی، خنثی‌سازی نفوذ روسیه در آذربایجان و حمایت از اهداف نظامی عثمانی در افغانستان و هند بود. برای تحقق این اهداف، مصطفی عاصم بیگ دیپلمات برجسته ترک به‌عنوان سفیر جدید در تهران معرفی شد. عاصم بیگ و همکارانش بر سیاست نرم و نفوذ در میان رهبران مشروطه‌خواه و طوایف غرب ایران تأکید داشتند. در مقابل، نظامیان عثمانی تحت رهبری رئوف بیگ، به دنبال پیاده‌سازی سیاست تهاجمی و استفاده از خشونت برای مقابله با تبلیغات متفقین بودند. این دو رویکرد متفاوت، چالشی اساسی میان دیپلمات‌ها و نظامیان عثمانی در ایران ایجاد کرد و به‌طور قابل‌توجهی بر سیاست‌های کلان عثمانی، ازجمله طرح اتحاد تأثیر گذاشت. باوجود تلاش‌های عاصم بیگ، ایران از پیوستن به اتحاد با عثمانی خودداری کرد، طرح «جهاد اکبر» در ایران به اهداف خود نرسید و تلاش‌ها برای ایجاد سیاست‌های ضد روسی و انگلیسی در غرب و جنوب غرب ایران ناکام ماند.عاصم بیگ در مدت دو سال مأموریت خود در تهران، مکاتبات متعددی با مقامات عالی‌رتبه در استانبول و مقام‌های نظامی و سیاسی عثمانی و آلمانی انجام داد. این مقاله بر آن است تا با بررسی اسناد به‌جای مانده از عاصم بیگ در «آرشیو ترکیه»، از زاویه دید منابع عثمانی، چالش‌های دیپلماتیک دولت عثمانی در ایران را مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد.

استناد: وزینی افضل، مهدی و موسوی، سید احمد (۱۴۰۳) *سیاست چالش‌های دستگاه دیپلماسی عثمانی در ایران طی جنگ جهانی اول(با تأکید بر گزارش‌های عاصم بیگ سفیر عثمانی در تهران)*،پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان، ۱۴۰۳، دوره ۱۸، شماره ۲ – شماره پیاپی۳۵، ص۲۶۰-۲۹۱.

DOI. 10.22111/jhr.2025.49463.3711

© نویسندگان . **مهدی وزینی افضل و سید احمد موسوی**
ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

ایران در آستانه جنگ جهانی اول با شرایط نابسامانی مواجه بود. بر اساس معاهده ۱۹۰۷ میلادی، انگلیس و روسیه با تقسیم کشور به مناطق نفوذ، کنترل عملی ایران را در دست گرفتند و در طول جنگ، دامنه فعالیت‌های خود را گسترش دادند. روس‌ها به‌ویژه در شمال و شمال غرب ایران حضور خود را تقویت کرده و از مناطق تحت نفوذشان اقداماتی علیه امپراتوری عثمانی ترتیب دادند (Arıkan, 2010: 9 -11). همچنین سیاست‌های تهاجمی انگلستان در اطراف خلیج‌فارس و جنوب ایران، جدی‌تر شد. برای بریتانیا نفت خاورمیانه و ایران اهمیت زیادی داشت و علاقه نداشت از آن چشم‌پوشی کند (Uluğbay, 2008: 63). در عثمانی، بسیاری از سیاست‌مداران معتقد بودند برای بقای حکومت، اتحاد با یک کشور اروپایی توسعه‌یافته ضروری است. با شروع جنگ، گروهی که خواهان ورود به جنگ بودند، قدرت بیشتری گرفتند تا بدین ترتیب از فروپاشی عثمانی جلوگیری کنند. این ایده به‌مرور، طرفداران بیشتری پیدا کرد (Kabacali, 2000:31). انور پاشا سرسخت‌ترین حامی این اتحاد و ورود عثمانی به جنگ بود؛ زیرا معتقد بود آلمان در جنگ پیروز خواهد شد. آلمان با بهره‌گیری از جایگاه استراتژیک ایران و نارضایتی عمومی از نفوذ بریتانیا و روسیه، سیاستی فعال برای گسترش نفوذ خود در این کشور اتخاذ کرد. این رویکرد شامل تقویت احساسات ملی‌گرایانه و تحریک گروه‌های محلی برای مقابله با نیروهای متفقین بود. آلمان در پی آن بود که با واردکردن عثمانی به جنگ، از نفوذ معنوی آن‌ها در جهان اسلام بهره‌برداری کرده و قیام‌های گسترده‌ای را علیه متفقین در سرزمین‌های اسلامی ازجمله ایران سازمان‌دهی کند. یکی از اهداف اصلی، ایجاد فشار بر بریتانیا از طریق تحریک مسلمانان به قیام، به‌ویژه در هند که تحت استعمار این کشور قرار داشت، بود. در این میان، مسئله افغانستان نیز اهمیت ویژه‌ای داشت. برنامه‌ریزی‌ها بر آن بود که ابتدا افغانستان را در مقابل بریتانیا قرار دهند و سپس با تهییج مسلمانان هند به انقلاب، زمینه گسترش قیام به سراسر شبه‌قاره هند فراهم شود (Keleşyılmaz, 1999: 41). مسلمانان قفقاز هم در تیررس اهداف ترکان عثمانی بودند. ایران

به‌عنوان پل ارتباطی میان این کشورها، مدنظر قرار گرفت. به همین دلیل در طول جنگ جهانی اول، برای آلمان و عثمانی اهمیت زیادی پیدا کرد.

برای آلمان‌ها، از کار انداختن تأسیسات نفت ایران برای ضربه زدن به انگلستان حیاتی بود. بدین ترتیب تمام مرزهای ایران با عثمانی محل زدوخورد نیروهای متفق و متحد در جریان جنگ جهانی شد. باآنکه ایران در آغاز جنگ اعلان بی‌طرفی کرد، اما این امر سبب نشد از میادین جنگ دور بماند. در چنین شرایطی، اساس سیاست عثمانی در جبهه شرق، امضای یک معاهده رسمی با ایران، جلوگیری از نفوذ روسیه و انگلستان به مرزهای خود، ایجاد یک نیرو از ایلات، پیشبرد اهداف جهاد اکبر و اتحاد با افغانستان بود. سیاستی که به دستور باب عالی، باید توسط سفیر جدیدشان در تهران یعنی عاصم بیگ پیگیری می‌شد. این مقاله باهدف بررسی این سیاست‌ها و شیوه اجرای آن‌ها از منظر عاصم بیگ تدوین‌شده است. علاوه براین، چالش‌هایی که سفیر عثمانی در مسیر تحقق این اهداف با آن‌ها مواجه بود، به‌عنوان یکی از محورهای اساسی پژوهش حاضر مورد تحلیل قرارگرفته است.

پیشینه پژوهش

با توجه به اطلاع نگارندگان، تاکنون پژوهشی مستقل درباره عاصم بیگ و اقدامات او در ایران در طول جنگ جهانی اول انجام‌نشده است. منابع فارسی اشاراتی به حضور نیروهای نظامی عثمانی در ایران دارند اما از زاویه دیپلماسی کمتر اشاره‌ای به فعالیت ترکان در ایران در طول جنگ جهانی رفته است. کحال زاده که در طول جنگ جهان اول منشی سفارت آلمان در تهران بود، در خاطرات روزانه خود از پشت پرده سیاست‌های سفارت‌های آلمان، اتریش و عثمانی گزارش‌های منحصربه‌فردی را ارائه می‌دهد. هرچند کحال زاده در بطن حوادث دیپلماسی قرار دارد اما گزارش‌های دقیق او بیشتر مربوط به رفت‌وآمدهای دیپلماتیک رجال ایرانی با سفیر آلمان است. کاوه بیات در کتاب «*ایران و جنگ جهانی اول*» با توجه به اسناد وزارت داخله ایران، به تحلیل مکاتبات دولت ایران با دول متخاصم پرداخته است و دراین‌بین اشاراتی به عاصم بیگ و نگاه سیاسی و نظامی ترکان عثمانی در ایران دارد. رضاقلی نظام‌السلطنه مافی که با تشکیل دولت موقت ملی نقش مهمی در تحولات سیاسی آن دوره ایفا کرد و ارتباط نزدیکی با آلمان‌ها و عثمانی‌ها داشت، در خاطرات خود به سیاست‌های عثمانی در ایران پرداخته است. او این تحولات را از منظر دولت ایران تحلیل و ارزیابی کرده و دیدگاهی منحصربه‌فرد درباره روابط منطقه‌ای و تعاملات قدرت‌های خارجی در آن زمان ارائه داده است. نیدر مایر افسر آلمانی در

کتاب «زیر آفتاب سوزان ایران» اطلاعات مهمی از وضعیت اردوی ترکان و آلمانی‌ها ارائه می‌دهد. او در خاطراتش به سیاست‌های نظامی عثمانی در غرب ایران اشاراتی دارد که در این مقاله از آن‌ها استفاده شد. در میان مقالات فارسی، مقاله‌ای تحت عنوان *«اردوی اتحاد اسلامی حسین رئوف بیگ و اشغال کرمانشاه در جنگ جهانی اول»* توسط صباح خسروی زاده و صباح قنبری تألیف شده است که در این پژوهش از آن استفاده شد؛ اما این مقاله بر روی حضور نیروهای نظامی عثمانی در غرب ایران متمرکز است و اشاره‌ای به سیاست‌های دیپلمات‌های عثمانی در ایران ندارد.

از میان منابع ترکی، پایان‌نامه مربوط به زندگی عاصم بیگ نوشته تورگوت آلپ ارسلان حائز اهمیت است؛ اما این پایان‌نامه تمرکز زیادی بر روی فعالیت‌های عاصم بیگ در دوران وزارت خارجه و حضورش به‌عنوان سفیر در اروپا دارد و اشارات او به تحولات ایران و جنگ جهانی اول محدود است. ارسن کیرچا در کتاب «*جنگ جهانی اول در اسناد عثمانی*» به حضور نیروهای ترک در ایران و سیاست‌های دستگاه دیپلماسی عثمانی در ایران می‌پردازد. این کتاب تنها معطوف به ایران نیست و چالش‌های دولت عثمانی را در جبهه‌های مختلف موردنقد و بررسی قرار داده است. این مقاله با تأکید بر منابع ترکی استانبولی و اسناد آرشیوی مرتبط با عاصم بیگ، تلاش دارد تا با تمرکز بر دیدگاه شخصی این سفیر، وقایع ایران در طول جنگ جهانی اول را بررسی و تحلیل کند. منابع مذکور به‌عنوان ابزار اصلی پژوهش، زمینه‌ای برای واکاوی عمیق‌تر سیاست‌ها و تعاملات دیپلماتیک آن دوره فراهم کرده‌اند.

معرفی عاصم بیگ سفیر عثمانی در تهران

مصطفی عاصم تورگوت بیگ، در سال ۱۸۶۹ م / ۱۲۸۶ هـ ق، در استانبول و در یک خانواده روحانی صاحب نفوذ به دنیا آمد. پدربزرگش از علمای تراز اول ترابوزان و نزدیک به دربار به شمار می‌رفت. مادرش دختر شیخ‌الاسلام حسن خیرالله افندی، شیخ‌الاسلام مطرح دوران سلطان عبدالعزیز بود (Pakalın, Cilt: III, 2008:127) که فتوای مرگ سلطان نیز به دستور او صادرشده بود. مصطفی عاصم به‌واسطه نفوذ خانواده مادریش، توانست به دولت سلطان عبدالحمید دوم راه پیدا کند. او به وزارت امور خارجه راه پیدا کرد و از معاونت‌های مختلف کنسولگری، به سفارت عثمانی در استکهلم رسید. عاصم بیگ سپس به‌عنوان اولین سفیر عثمانی در کشور تازه تأسیس بلغارستان منصوب شد. باقابلیت‌هایی که از او دیده شد، به وزارت امور خارجه عثمانی رسید و از اکتبر ۱۹۱۱ تا ژوئیه ۱۹۱۲ م، این مقام را بر عهده داشت (Kandemir, 1936: 19-22). عاصم بیگ در ژانویه ۱۹۱۴ م به‌عنوان

آخرین پست دولتی خود، به سفارت تهران منصوب شد. بر طبق فرمانی به تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۱۴ م که از سوی وزیر امور خارجه حلیم پاشا به امضاء رسید، عاصم بیگ به‌جای محمد صدرالدین بیگ، به‌عنوان سفیر کبیر عثمانی در تهران منصوب شد. او تا دو سال یعنی تا فوریه ۱۹۱۶ م، این وظیفه را بر عهده داشت. عاصم بیگ در سال ۱۹۲۰ م، از شغل دیپلماتیک بازنشسته شد و بعد از یک دوره بیماری، در ۳ فوریه ۱۹۳۷ م در سن ۶۸ سالگی درگذشت و در قبرستان خانوادگی در شریف کاپیسی استانبول به خاک سپرده شد (Alparslan, 2018:56). عاصم بیگ کتاب خاطراتی از خود به‌جا نگذاشته است. هر آنچه از او به‌جامانده، تلگراف‌هایی است که در قالب گزارش، درخواست و شکایت، به وزارت امور خارجه عثمانی، وزارت جنگ عثمانی، افسران نظامی، کنسولگری‌های عثمانی در داخل ایران، مسئولین دیپلماسی و نظامی آلمان، والی بغداد و والی موصل ارسال کرده است. بخشی از این تلگراف‌ها در آرشیو اداره تاریخ ستاد کل نظامی و مطالعات استراتژیک (ATASE) و آرشیو نخست‌وزیری عثمانی (BOA) بایگانی هستند. قسمتی از آن‌ها نیز احتمالاً با تصرف کنسولگری‌های عثمانی توسط روسیه، از بین رفته‌اند. این اسناد که معمولاً به‌صورت روزانه یا هفتگی مخابره شده‌اند، کمک زیادی می‌کند تا شرایط ایران در جنگ جهانی اول از نگاه متحدین موردبررسی قرار گیرد.

تلاش‌های دیپلماتیک عاصم بیگ برای کشاندن ایران به جنگ

با شروع جنگ جهانی اول در ژوئیه ۱۹۱۴ م، سیاست دولت مستوفی‌الممالک، بی‌طرفی ایران در جنگ بود. ترکان عثمانی در ظاهر سیاست بی‌طرفی را در پیش‌گرفته و به‌صورت مستقیم وارد جنگ نشدند؛ اما از تحرکات متفقین در مرزهای خود غافل نبودند. در ملاقاتی که میان عاصم‌بیگ و مستوفی‌الممالک انجام شد، نخست‌وزیر ایران درخواست کرد در صورت اعلان بی‌طرفی ایران، ترکان به آن احترام بگذارند؛ اما عاصم بیگ قبول این بی‌طرفی را مشروط به تخلیه آذربایجان از قشون روس کرد و اعلام کرد حضور نیروهای روسیه در آذربایجان خود نقض بی‌طرفی ایران در جنگ است (بهار، ۱۳۹۹: ۳۴–۳۵؛ مستوفی، ۱۳۷۷: ج ۳، ۱۴۴)؛ زیرا به‌زعم سفیر، روس‌ها در حال آماده‌سازی منابع خود برای ضربه زدن به منافع عثمانی بودند (BOA.HR.SYS.D:2338,G:25). در مقابل روس‌ها نیز دلایل مشابهی را مطرح می‌کردند و حضور نیروهای ترک در غرب ایران را عامل اعزام نیروهای روسی به آذربایجان می‌دانستند (اتابکی، ۱۳۸۷: ۱۱۵) درهرصورت، وزارت امور خارجه ایران بخشنامه‌ای به سفارت‌خانه‌های خود در استانبول و پتروگراد ارسال کرد تا بی‌طرفی ایران را به دولت‌های متبوع اعلام کند. باآنکه ایران

در تلاش بود بی‌طرفی خود را حفظ کند، تحت‌فشار انگلیس و روسیه قرار داشت تا علیه عثمانی وارد جنگ شود. بعد از شکست آلمان‌ها در جنگ مارن، ویلهلم دوم امپراتور آلمان بیش از گذشته به اتحاد با عثمانی نیازمند شد. حزب اتفاق و ترقی که بر عثمانی حاکم بودند، برای رهایی از انزوای سیاسی چاره‌ای جز اتحاد با یک کشور قدرتمند غربی همچون آلمان نداشت. دستگاه دیپلماسی عثمانی علاقه‌ای به جنگ تمام‌عیار نداشت. عاصم بیگ به‌عنوان رهبر دستگاه دیپلماسی عثمانی در ایران معتقد بود عثمانی باید شرایط بی‌طرفی را حفظ کند زیرا اگر پای عثمانی به جنگ باز شود، به دلیل ضعف در ساختارهای مالی و نظامی، با مشکلات زیادی ازجمله در جنگ با روس‌ها مواجه خواهد شد (Kırca, ve diğerleri, 2015: 31).

دیدگاه عاصم بیگ بازتابی واقع‌بینانه از وضعیت امپراتوری عثمانی ارائه می‌داد. او با بهره‌گیری از آینده‌نگری دیپلماتیک، همواره بر رویکردی محتاطانه در عرصه دیپلماسی تأکید داشت. برخلاف سیاست‌های شتاب‌زده و هیجانی حزب اتحاد و ترقی، عاصم بیگ بر اهمیت تصمیم‌گیری اصولی و متناسب با شرایط اصرار می‌ورزید و این تمایز رویکردی، جایگاه او را در تاریخ دیپلماسی برجسته می‌سازد. درواقع، روند حوادث تاریخی، احتیاط عاصم بیگ را اثبات کرد؛ زیرا جنگ جهانی، پیامدهای مخربی برای عثمانی به همراه داشت. با تمام اخطارها، رهبران حزب اتفاق و ترقی تصمیم گرفتند در ماه اوت ۱۹۱۴ و قبل از ورود رسمی به جنگ، یک قرارداد دفاعی با آلمان امضاء کنند (Karal, 2011: 165-166). بر طبق این قرارداد، عثمانی متعهد شد به نفع آلمان وارد کارزار جنگ شود. این جلسات و انعقاد قرارداد سری در تاریخ ۲ اوت، از هیات‌های دیپلماتیک مخفی نگه‌داشته شد که باعث ناراحتی سفرا ازجمله عاصم بیگ در تهران شد (Bayur, Cilt: II/Kısım: IV, 1991: 639)؛ زیرا دستگاه دیپلماسی عثمانی، با تمام پیش‌بینی‌ها، آماده مواجه با بحران‌های جدید جدی نبود. با حمله عثمانی به روسیه، ترکان به‌طور رسمی و به‌صورت قاطع وارد جنگ شدند. از استانبول وظایف مختلفی بر عهده سفارت و کنسولگری‌های عثمانی در ایران گذاشته شد. مهم‌ترین وظیفه عاصم بیگ این بود که دولت ایران را از حالت بی‌طرفی خارج و به اتحاد با عثمانی راغب کند. برنامه این بود که برای دستیابی به این هدف، از تبلیغات گسترده در ایران استفاده شود تا اذعان عمومی، سیاست‌مداران را برای پیوستن به عثمانی، تحت‌فشار قرار دهند (HR.SFR.D: (20)122/6,L:10). دست یافتن به این هدف جز بانفوذ در میان رجل سیاسی امکان‌پذیر نبود؛ بنابراین عاصم بیگ فعالیت‌های دیپلماتیک

خود را بر اساس نزدیکی به شاه، نفوذ در حزب دموکرات و به قدرت رساندن طرفداران عثمانی در شهرهای مرزی استوار کرد.

عاصم بیگ بارها با مقامات بلندپایه ایران ازجمله احمدشاه، مستوفی‌الممالک و علاءالسلطنه وزیر امور خارجه نشست‌های محرمانه برگزار کرد (BOA,HR.SYS.D:2338,G:94). در جریان تاج‌گذاری احمدشاه، عاصم بیگ برای نزدیکی بیشتر با شاه به همراه سفیر اتریش به دیدن او در کاخ صاحبقرانیه رفت و نشان درجه ال با گردنبند خاندان آل عثمان را به شاه اعطا کرد (کحال زاده، ۱۳۷۰: ۸۰) تا اعتماد او را نسبت به دوستی با عثمانی به دست بیاورد. سفیر عثمانی در ملاقات‌های متعدد با احمدشاه، دولت عثمانی را پشتوانه شاه معرفی کرد و سعی داشت شاه ایران را به مقاومت در برابر روسیه و انگلستان متقاعد سازد. عاصم بیگ برای اینکه در قمار سیاسی از رقبای خود عقب نماند، به‌صورت مداوم تلگراف‌هایی به احمدشاه و وزرا ارسال می‌کرد. او در این تلگراف‌ها، سیاست‌های روسیه را تقبیح می‌کرد و شبه‌نظامیان وابسته به روسیه و انگلیس را عامل نابودی آینده ایران می‌دانست. هدف عاصم بیگ آن‌چنان خود می‌گوید جلب نظر شاه، تقویت حامیان خود در کابینه و جلوگیری از تبلیغات مضر علیه عثمانی بوده است (BOA,HR.SYS.D:2338,G:95). در جریان عملیات ترکان در مرزهای غربی ایران، انگلیسی‌ها تبلیغات گسترده‌ای راه انداخته بودند و هدف عثمانی‌ها را تجزیه بخش‌های غربی ایران معرفی می‌کردند (BOA,HR.SYS,D:2337/3,Lef:16). عاصم بیگ به‌منظور دلجویی و توضیح در مورد سوءتفاهم‌ها، به‌صورت محرمانه با احمدشاه دیدار کرد. او در گزارش خود نوشت؛ گویا تبلیغات انگلیسی‌ها اثر بخشیده است و شاه و دولت ایران در یک بی تکلیفی و آشفتگی به سر می‌برند (BOA,HR.SYS.D:2337,G:3). عاصم بیگ از استانبول درخواست کرد نیروهای نظامی خود را در مرزهای ایران کنترل کنند و بهانه به دست متفقین برای تبلیغات سو ضد ترکان ندهند (BOA,HR.SYS.D.2337,G:3,24).

سفارت عثمانی در تهران معتقد بود تا وقتی سایه ترس دولت ایران از روس‌ها و عدم اعتماد به ترکان وجود دارد، ایران اعلان بی‌طرفی خود را کنار نخواهد گذاشت؛ زیرا دولت ایران اذعان دارد نمی‌تواند در برابر نیروهای روسیه در آذربایجان ایستادگی کند (BOA,HR.SYS.D:2338,G:31,1). همچنین دولت مرکزی ایران غیرقابل‌اعتماد است و هیچ نفوذی در میان حکام محلی غرب ایران ندارد؛ بنابراین

نیروهای ترک باید با ایجاد یک نیروی منظم و پرداخت پول به دولت، نیروهای ایرانی را تقویت کنند (BOA,HR.SFR. (20) 121/49,Lef:2).

عاصم بیگ سند مشروحی را از سیاست‌های آتی عثمانی در شمال ایران و آذربایجان تشریح کرد. بر طبق این سند راهبردی، ارتش عثمانی به رهبری خلیل بیگ ابتدا باید طوایف ایرانی را آموزش دهند و سپس آن‌ها را به سلاح‌های به غنیمت رفته از روسیه مجهز کنند؛ زیرا ایرانیان استفاده از سلاح‌های روسی را بهتر بلدند. در ادامه افسران ترک، با کمک طوایف شاهسون، تالش و خلخال، به سمت ایالات آذربایجان، گیلان و مازندران بروند و آن‌ها را تصرف کنند و حائلی میان قوای روسیه و تهران ایجاد کنند. در این صورت، تهران از حفاظت پایتخت مطمئن خواهد شد و بی‌طرفی را کنار خواهد گذاشت و به سمت عثمانی متمایل خواهد شد. در غیر این صورت و با اقدامات خودسرانه پراکنده، فعالیت‌های تهاجمی روس‌ها در ایران افزایش خواهد یافت و دولت ایران از حمایت عثمانی ناامید خواهد شد (BOA,HR.SYS.D:2338,G:94,9). حوادث آینده نشان داد پیش‌بینی عاصم بیگ درست بوده است. عاصم بیگ با شاه و نمایندگان دموکرات مجلس ایران در چگونگی مواجه با روس‌ها اختلاف داشت، اما بعد از شکست ترکان از روس‌ها در نوامبر ۱۹۱۵ م، طرفداران نزدیکی به روس‌ها قدرت بیشتری به دست آوردند. از روند حوادث بعدی چنین برمی‌آید که شاه ایران، از سیاست نزدیکی به آلمان و عثمانی فاصله گرفت (BOA,HR.SYS.D:2338,G:94,15). عاصم بیگ به‌شدت از ناکارآمدی ارتش برای اجرای سریع دستورات سفارت ناراحت بود و علت دوری سیاسیون ایران از عثمانی و عقیم ماندن سیاست‌هایش را همین ضعف نظامی می‌دانست. او بارها درخواست کرد حداقل ۵ هزار سرباز آموزش‌دیده به همراه توپ و مسلسل به کرمانشاه گسیل شوند (BOA,HR.SYS.D:2338,G:94,16) تا با دست‌پر، دیپلماسی چانه‌زنی را در تهران پیش ببرد. درخواست‌هایی که هیچ‌گاه عملیاتی نشد.

با تغییر نخست‌وزیر در ایران، وضعیت برای ترکان پیچیده‌تر شد. عاصم بیگ دیدگاه مثبتی به مستوفی‌الممالک داشت و او را مردی روشنفکر و واقع‌بین سیاسی می‌دانست که آرزویی جز استقلال ایران ندارد و مذاکره با او بر اساس اصول دیپلماتیک امکان‌پذیر است (Tetik, 2018: 233)؛ اما باقدرت گیری عین الدوله که به حمایت از منافع بریتانیا مشهور بود، موازنه قدرت به نفع طرفداران متفقین تغییر کرد. عاصم بیگ سعی کرد بانفوذ در مجلس ایران، زمینه سرنگونی عین الدوله را فراهم

کند تا بدین ترتیب قدرت روسیه و انگلستان در ایران را کاهش دهد (BOA,HR.SYS.D:2337,G:12,16). با اعمال‌نفوذ عاصم بیگ و حمایت نمایندگان دموکرات از عثمانی و آلمان‌ها، درنهایت کابینه عین الدوله سقوط کرد (سنجابی، ۱۳۹۳: ۲۷۷) و زمینه برای تغییرات گسترده حاکمیت در مرزهای عثمانی فراهم شد. ایالت کرمانشاه به دلیل حضور طوایف کرد و مرزهای گسترده با عثمانی، حائز اهمیت زیادی برای ترکان بود. روس‌ها نقش فعالی در کرمانشاه داشتند و به سعی داشتند طوایف کرد را به همکاری با روسیه مجاب سازند. نیروهای نظامی عثمانی به رهبری رئوف بیگ نیز سیاست نفوذ نظامی در کرمانشاه را دنبال می‌کردند. دیپلمات‌های عثمانی تلاش داشتند حاکمی در کرمانشاه به قدرت برسد که منافع عثمانی را مدنظر قرار دهد. از نگاه عاصم بیگ، امیر مفخم بختیاری بهترین گزینه بود (Sarısaman, 1996: 210) زیرا امیر مفخم یکی از افراد برجسته ایل بختیاری بود و به‌زعم ترکان، او بر حاکمان و ایلات غرب نفوذ داشت و می‌توانست مفید واقع شود. عاصم بیگ امیدوار بود امیر مفخم با ایلات حامی عثمانی ارتباط برقرار کند (BOA,HR.SYS.D:2338,G:37,1) و مردم را به جنگ علیه متفقین تحریک کند. برخلاف تصور، امیر مفخم بازی دوگانه‌ای در پیش گرفت. حتی او مخفیانه با سران سنجابی برای حمله به نیروهای عثمانی مذاکراتی را انجام داد و به تقویت نیروهای خود در برابر ترکان پرداخت (نیدرمایر، ۱۳۶۳: ۵۹). عاصم بیگ بعد از اطلاع از این ماجرا، به امیر مفخم اخطار داد بااحتیاط در برابر نیروهای عثمانی مستقر در کرمانشاه عمل کند و از اقدامات خصمانه‌ای که منجر به دشمنی مردم ایران و عثمانی شود، حذر کند. همچنین به حسین رئوف بیگ دستور داد مخفیانه روابطش را با امیر مفخم توسعه دهد (BOA,HR.SFR.D: (20)125,G:33).

با تلاش‌های عاصم بیگ و برتری نسبی قوای عثمانی در مرزهای غربی ایران، دولت ایران اعلام کرد آماده امضای معاهده‌ای است که در آن تمامیت ارضی و استقلال ایران با مشارکت آلمان، اتریش ــ مجارستان تضمین شود و همچنین مقداری پول، سلاح و مهمات در اختیار دولت ایران قرار گیرد (BOA,HR.SYS.D:2337,G:12,30). عاصم بیگ این خبر را با خوشحالی به استانبول مخابره کرد و در مورد شروط ایران، از باب عالی درخواست پاسخ کرد؛ اما مشکلاتی پیش آمد که منجر به کدورت و عدم اعتماد بین طرفین شد و مذاکرات شکست خورد (Karacagil, 2014: 103). یکی از این مشکلات، حمله نیروهای رئوف بیگ به کرمانشاه و قتل‌عام گسترده بود. عاصم بیگ با هرگونه

حمله ترکان عثمانی به ایران مخالفت می‌کرد و معتقد بود تهاجم احتمالی، افکار عمومی ایران را ضد عثمانی خواهد کرد. همچنین به دلیل تبلیغات انگلیس و روسیه، چنین حمله‌ای، قطعاً پیامدهای زیانباری به دنبال داشت. عاصم بیگ در مکاتباتش به این نکته پافشاری می‌کرد که حتی اگر گروه رئوف پاشا بر مشکلات کرمانشاه فائق بیاید و با موفقیت به افغانستان برسد، در صورت بی‌طرفی ایران، ورود افغانستان به جنگ بعید به نظر می‌رسد و برنده بازی روسیه و انگلستان خواهند بود (Metin, 2007: 65).

یکی دیگر از مشکلات، عدم تمایل آلمان برای تضمین تمامیت ارضی ایران بود. آلمان‌ها معتقد بودند عثمانی‌ها برخلاف آنچه ادعا می‌کنند نفوذی در ایران ندارند و ایرانی‌ها مسئله طرح اتحاد ترکان را جدی نمی‌گیرند (Bayur, Cilt: III/Kısım: III, 1991: 143, 158). در مقابل ترکان اعتقاد داشتند اقدامات خودسرانه آلمان‌ها و کاهش قدرت مرکزی دولت ایران، مانع تحقق آرزوی اتحاد است. عاصم بیگ و معاونش صفا بیگ، هر دوبه‌یک اندازه به سیاست آلمان در ایران به دیده تردید می‌نگریستند. صفا بیگ معتقد بود آلمان‌ها در ایران صرفاً به دنبال منافع خود هستند و هیچ اهمیتی به منافع فعلی و آینده ایران نمی‌دهند. هدف آن‌ها این است که در ایران نفوذ کنند و در آینده با برقراری دیکتاتوری نظامی، تسلط کامل خود را براین کشور تثبیت کنند (BOA,HR.SYS.D:2339,G:74,4). عاصم بیگ بارها به باب عالی گزارش شکایتی علیه سیاست‌های آلمان نوشت و فعالیت‌های خودخواهانه را به باد انتقاد گرفت. در گیرودار تلاش عثمانی و آلمان به‌منظور اتحاد با ایران، ارتش روسیه به سمت تهران حمله کرد. به عاصم بیگ دستور داده شد برای حفظ جان خود و خانواده‌اش، تهران را ترک کند. عاصم بیگ اظهار داشت قصدی برای ترک پایتخت ندارد زیرا در این صورت نفوذ خود بر شاه و دولت را از دست خواهد داد (BOA,HR.SYS.D:2339,G:16,3). تمام تلاش عاصم بیگ این بود تا از مهاجرت احمدشاه از تهران جلوگیری کند (کحال‌زاده، ۱۳۷۰: ۱۴۱) و نیروهایی را برای دفاع از تهران آماده کند (BOA,HR.SYS.D:2338,G:94,10). عاصم بیگ به شاه قول داد می‌تواند بین ۷ تا ۱۰ هزار نیرو برای حفاظت از پایتخت بسیج کند. برای نیل به این هدف، عاصم بیگ به دولت عثمانی فشار وارد آورد تا هرچه زودتر نیروهای نظامی که قول آن را به شاه ایران داده بود، گسیل شوند. سفیر معتقد بود اگر دولت عثمانی این پیشنهاد را بپذیرد، افکار عمومی در ایران به سمت عثمانی معطوف خواهد شد و طرح اتحاد بهتر پیش خواهد رفت (BOA,HR.SYS.D:2338,G:94,7).

با نرسیدن نیروهای دفاعی ترک و احتمال سقوط تهران، بسیاری از میلیون ایران به شهر قم عقب‌نشینی کردند و در آنجا یک جنبش ضد روسی به رهبری نظام‌السلطنه مافی تشکیل دادند. این تشکیلات به‌وسیله ترکان و آلمان به رسمیت شناخته شد و روابط نزدیکی بین آن‌ها شکل گرفت. حتی یک اتحاد سری بین انور پاشا و نمایندگان نظام‌السلطنه مافی در ۲۵ مه ۱۹۱۶ م به امضاء رسید (Karacagil, 2014:107-109). با تشکیل دولت موقت، متحدین امیدوار بودند نیروهای ایرانی به‌صورت یکپارچه ضد روسیه وارد عملیات نظامی شوند. به همین منظور کنت فن کانیتز وابسته نظامی سفارت آلمان در تهران، مبلغ یک‌میلیون مارک در ازای املاک نظام‌السلطنه، ۸۰ هزار مارک به‌عنوان حقوق و ۳۲۰ هزار مارک بابت ۲۷۰۰ سربازی که نظام‌السلطنه قولش را داده بود پرداخت کرد؛ اما آلمان‌ها متوجه شدند نیروهای نظام‌السلطنه از چند صد نفر تجاوز نمی‌کنند و از او ناامید شدند. نتیجه شکست این سیاست، خودکشی کانیتز و همان‌گونه که عاصم بیگ به آن اشاره دارد، شکست سیاست‌های کلی متحدین در ایران بود (BOA,HR.SYS.D:2339,G:11). عاصم بیگ، سیاسیون ایرانی ازجمله نظام‌السلطنه را نیرنگ‌باز، حسود و دسیسه چین می‌دانست که زیرکانه بازی ساده اما هوشمندانه‌ای را میان آلمان‌ها و عثمانی‌ها انجام می‌دهند. سفارت عثمانی، نظام‌السلطنه را متهم می‌کرد از فعالیت‌های تبلیغاتی عثمانی در ایران جلوگیری می‌کند و اجازه نمی‌دهد دولت مرکزی به این موضوع بپردازد (Arıkan, 2017: 10). سفیر عثمانی با ارسال گزارشی به احمد نسیمی بیگ وزیر امور خارجه عثمانی، با انتقاد از سیاست‌های دوگانه ایرانیان گزارش داد؛ نظام‌السلطنه نیروهای آلمانی را فریب داده است و تلاش دارد میان آلمان‌ها و ترکان اختلاف ایجاد کند (Söylemezoğlu, 1950: 413-414). البته به اعتقاد دیپلمات‌های عثمانی، بخشی از این شکست، به‌طور مستقیم متوجه سیاست‌های آلمان بود زیرا آن‌ها در موارد زیادی، برخلاف وعده‌های اتحاد با عثمانی عمل کرده‌اند و به‌دوراز چشم عثمانی‌ها، قراردادهای محرمانه‌ای با نظام‌السلطنه منعقد کرده‌اند (Bayur, Cilt: III/Kısım: III, 1991: 147-149).

تلاش‌های دیپلماتیک عاصم بیگ در تحقق اهداف جهاد در ایران

در طول جنگ جهانی اول، ترکان به‌منظور تحت‌فشار گذاشتن متفقین در جبهه‌های مختلف، بحث جهاد اسلامی را مطرح کردند و پنج فتوا را علیه متفقین تدوین و امضا کردند (وزینی افضل، دهقانی، ۱۴۰۳: ۱۲). هدف عثمانی، استفاده از مسلمانان هند، قفقاز، شمال آفریقا، ایران و افغانستان، برای فشار

بر روس‌ها و انگلیسی‌ها بود (BOA,HR.SFR.D: (3)655,G:5). ایران به‌عنوان کشوری حائل میان عثمانی و هند، از جایگاه ویژه‌ای در نظریه جهاد اکبر برخوردار بود و مناسبات ایران می‌توانست در موفقیت یا عدم موفقیت جهاد اسلامی اثرگذار باشد. فتاوی شریفه که جهاد را علیه متفقین واجب می‌دانست، به زبان فارسی منتشر شد و یک نسخه از آن به سفارت عثمانی در تهران ارسال شد (BOA,HR.SYS.D:2337,G:9,1). عاصم بیگ، مسئول تبلیغات جهاد و خلافت در ایران شد و تشکیلات مخصوصِ به رهبری رئوف بیگ مسئولیت نظامی پیشبرد جهاد را بر عهده داشت. عاصم بیگ در تلاش بود خلافت عثمانی را با علمای ایران آشتی دهد و نظریه پان‌اسلامیسم بر محوریت عثمانی را به نقاط مختلف ایران تسری دهد. همراه ساختن روحانیون ایران و طوایف کرد، شاهسون، بختیاری و عرب خوزستان با جهاد اکبر، از برنامه‌های آتی عاصم بیگ بودند. او بارها با روحانیون پرنفوذ و نمایندگان مجلس جلساتی را برگزار کرد و اولویت خود را اتحاد جهان اسلام و کاهش تنش‌های ریشه‌دار مذهبی میان ایران و عثمانی عنوان کرد (بهار، ۱۳۹۳: ۱۲۴). عاصم بیگ تلاش کرد با ارائه سوابق کمک عثمانی به شیعیان آذربایجان و یادآوری جنگ با ایتالیا در حمایت از مسلمانان لیبی، علمای ایران را مجاب سازد ترکان عثمانی به دنبال یک اتحاد واقعی اسلامی هستند (BOA,HR.SYS.D:2337,G:9,2). او همچنین گرویدن ایرانیان به جهاد را باعث احیای ایران و جلوگیری از تجزیه ایران معرفی می‌کرد (BOA,DH.EUM.7.ŞB.2/62).

برای کاهش تنش و نزدیکی دیدگاه‌های شیعیان ایران و سنی‌های عثمانی، عاصم بیگ پیشنهاد کرد در مکه، یک روحانی شیعه جعفری منصوب شود تا منازعات شیعیان و اهل تسنن از بین برود (Bayur, Cilt: III/Kısım: III, 1991: 131). ابتکار نزدیکی دو دیدگاه تسنن و تشیع با به رسمیت شناختن فقه جعفری توسط ترکان، از ایده‌های نادرشاه افشار بود. حالا قرن‌ها بعد، این ابتکار را عاصم بیگ در دست گرفته بود تا با ارائه نسخه‌ای جدید، رهبران فرق مذهبی را به یک جمع‌بندی اتحاد برساند. ازاین‌رو، تمام توان این بود که علمای ایران را برای به رسمیت شناختن خلافت راضی کند؛ اما از شواهد مشخص می‌شود باآنکه نمایندگانی از طرف علمای عثمانی به ایران فرستاده شدند اما درنهایت سفیر ترکان نتوانسته است روحانیون عثمانی را برای پذیرش فقه جعفری راضی کند. همچنین او موفق نشد علمای طراز اول بانفوذ را با خود همراه سازد؛ زیرا بخش مهمی از جامعه روحانیت ایران، سیاست سکوت را در برابر فتاوی جهادی عثمانی در پیش‌گرفته بودند. مخالفین ایرانی، سیاست‌های عاصم

بیگ در امور اتحاد اسلامی بر محوریت خلافت عثمانی را دست‌نیافتنی می‌دانستند که باعث تنفر بیشتر ایرانی‌ها از عثمانی‌ها خواهد شد. این منتقدین، سفیر عثمانی را نادان و ناآشنا به امور اجتماعی و سیاسی ایران می‌دانستند (کمرهای، ۱۳۹۸: ج ۱، ۱۲۴). این دسته معتقد بودند ترکان در یک تعارض جدی قرار دارند زیرا ازیک‌طرف در شهرهای مرزی ایران نظیر کرمانشاه دست به قتل‌عام ایرانیان می‌زنند و از طرف دیگر از برادری اسلامی و اتحاد مقدس صحبت می‌کنند. انگلیسی‌ها نیز تخمین می‌زدند شانس موفقیت سیاست‌های جهاد و نزدیکی دینی بین ایران و عثمانی بسیار کم است زیرا ترکان با تبلیغات تحت لوای پان‌ترکیسم، عملاً به خصومت دیرینه ایرانیان و ترکان دامن می‌زدند (مابرلی، ۱۳۶۹: ۷۴). عاصم بیگ ناامید نشد و دیدارهای گوناگونی را با محمدجعفر صدرالعلما و چند مجتهد بزرگ دیگر انجام داد. او، در نامه‌هایش، صدرالعلما را پیشوای علمای ایران معرفی می‌کرد (Alparslan, 2018: 118). صدرالعلما یکی از روحانیون معروف تهران و داماد آیت‌الله عبدالله بهبهانی بود. او در این دوره که با عاصم بیگ دیدار می‌کرد، ریاست حوزه علمیه تهران را بر عهده داشته است. اینکه عاصم بیگ او را پیشوای علمای ایران نامیده است، نشان از این دارد که بخش مهمی از روحانیون تأثیرگذار ایرانی، باسیاست‌های جهاد اکبر عثمانی همراه نبودند و عاصم بیگ تلاش داشت به استانبول نشان دهد توانسته است نفوذ زیادی در میان روحانیون ایرانی به دست بیاورد. در ملاقات نهایی که در تاریخ ۲ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲ بین دو طرف برگزار شد، نامه‌ای مبنی بر به رسمت شناختن فتاوی جهادی و خلیفه مسلمانان در استانبول، به امضای طرفین رسید. این تفاهم‌نامه به‌قدری برای عاصم بیگ مهم بود که او این لحظه را با تمام جزئیات و حتی ساعت آن ذکر کرده است و اشاره می‌کند که هر دو طرف برای این اتحاد مقدس و پایان جدایی عمیق ده‌ها قرن، نتوانسته‌اند جلوی اشک‌های خود را بگیرند (BOA,HR.SYS.D:2337,G:9,14). ازآنجایی‌که این تفاهم‌ها موردحمایت اکثریت مجتهدین ایرانی قرار نداشت، بحث اتحاد جهاد اسلامی آن‌چنان‌که ترکان انتظار داشتند، عملیاتی نشد.

سیاست دستگاه دیپلماسی عثمانی در ایران برای استفاده از ایلات در جنگ نیابتی تلاش‌های دیپلماتیک عاصم بیگ در راستای جهاد اسلامی، صرفاً در مذاکره با روحانیون خلاصه نمی‌شد. او به قابلیت طوایف مسلمان ایران و قفقاز آگاه بود و جذب ایلات ایرانی به سمت جهاد ترکان عثمانی را بسیار حائز اهمیت می‌دانست. طوایف کرد در این معادله سرنوشت‌ساز بودند؛ زیرا بخش مهمی از آن‌ها اهل تسنن بودند و قرابت‌ها فرهنگی و سیاسی زیادی با عثمانی‌ها داشتند. همچنین استفاده از آن‌ها

به‌عنوان گروه‌های نیابتی شبه‌نظامی در مقابله با روس‌ها امکان‌پذیر بود. با دعوت روحانیون بغداد و کاظمین ازجمله محمدکاظم یزدی و محمدتقی شیرازی از رهبران کرد برای جهاد، جنبه مذهبی قضیه هم تقویت شد. فتاوی آن‌ها چاپ و تکثیر و به اقصی نقاط ایران و عراق ارسال شد. درنتیجه مجاهدان زیادی از ایلات مختلف گرد آمدند. درحالی‌که بعضی شیوخ و مجتهدین در حال جمع‌آوری مجاهدین بودند، کمک‌های مالی نیز جمع‌آوری می‌کردند (BOA,DH.ŞFR.452/60). عاصم بیگ نیاز داشت تا اطلاعات دقیقی از ایلات پرنفوذ، امکانات رزمی آن‌ها، منطقه تحت نفوذ و تمایلاتشان به عثمانی جمع‌آوری کند (BOA,HR.SFR. (20)121/82.Lef:7)؛ بنابراین به کنسولگری‌های تابعه خود در شهرهای مختلف غرب ایران ازجمله سنندج، کرمانشاه، تبریز، ارومیه و ساوجبلاغ دستور داد هرچه سریع‌تر این اطلاعات را جمع‌آوری کنند و با رهبران ایلات ارتباط برقرار کنند. همچنین از آن‌ها خواسته شد همه تحرکات را زیر نظر بگیرند و اخبار خود را به سفارت در تهران مخابره کنند. این گزارش‌ها توسط عاصم بیگ تحلیل می‌شد و رونوشتی از آن‌ها به استانبول ارسال می‌گشت.

اطلاعات کنسول‌ها حاکی از آن بود که می‌شود بر ایلات کلهر، سنجابی، حیدرانلی، شاهسون و قره داغی اعتماد کرد (BOA,HR.SFR.D: (20)122/6, Lef: 39). کنسول‌های عثمانی اعتقاد داشتند با اعطای نشان و هدایا به رهبران ایلات، توزیع غذا میان ایلات و پرداخت حقوق به رهبران طوایفی که به علت حمایت از عثمانی صدمه‌دیده بودند، می‌توان تأثیر بیشتری بر آن‌ها گذاشت تا با عثمانی همراهی کنند (BOA,DH.EUM.2.ŞB.4/44). عاصم بیگ موافقت کرد کنسولگری‌ها همه‌جانبه از کردها حمایت کنند و به‌صورت محدود بین آن‌ها سلاح توضیح شود و در این میان تمام جوانب کار با دقت سنجیده شود (Bulut ve Pencere, 2009: 36, 44, 47, 52) زیرا دستگاه اطلاعاتی عثمانی معتقد بود رفتار این ایلات بسیار سیال و غیرقابل‌پیش‌بینی است و ممکن است با چرخش سیاست به سمت روس‌ها، همکاری خود با ترکان را قطع کنند و از سلاح‌های خود بر ضد منافع عثمانی بهره ببرند (BOA,DH.EUM.2.ŞB.2/68). آلمان‌ها بدون توجه به دستورالعمل‌های عاصم بیگ، ۴۰ هزار قبضه اسلحه میان ایلات کرمانشاه و کردستان تقسیم کردند (بیات، ۱۳۶۹: ۳۷) که منجر به تنش بیشتر دیپلماتیک عثمانی‌ها و آلمان‌ها در ایران شد. عاصم بیگ اطمینان داشت انگلیسی‌ها و روس‌ها نیز سعی خواهند کرد از ایلات منطقه برای پیشبرد اهداف خود استفاده کنند. بدین منظور سیاست عثمانی باید بر محوریت حمایت از روسای کرد و جلوگیری از جذب آن‌ها توسط روس‌ها و انگلیسی‌ها

استوار شود (BOA,HR.SFR.D: (20) 120/81.Lef:16). اطلاعات او دقیق بود زیرا با شکست نیروهای روس در آذربایجان، آن‌ها تصمیم گرفتند با دادن امتیازاتی به رهبران کرد همچون اسماعیل آقا سمیتکو، عبدالرزاق بدرخان و سید طه، شکست‌های خود را جبران کنند و ایلات را به سمت خود جذب کنند (BOA,HR.SFR.D: (20)123/61.Lef:1). البته روس‌ها هم همان نگرانی عثمانی‌ها را داشتند و توزیع گسترده سلاح میان کردها را به صلاح نمی‌دانستند و سعی کردند ابتدا میان آن‌ها پول و هدایا پخش کنند (Kurtcephe, Akgül, 1995: 256).

روس‌ها در عوض تمرکز خود را بر مسلح کردن ارامنه و نسطوریان گذاشتند که به‌صورت سنتی با ترکان عثمانی در چالش بودند. روس‌ها به آن‌ها آموزش دادند و برای حمله به منافع عثمانی و کردهای طرفدار عثمانی، تعلیم دادند (Qehremanov, 2007: 91-92)؛ بنابراین غرب ایران به محل نزاع و کشمکش دائمی ایلاتی تبدیل شد که برای بقای خود سیاست واحدی نداشتند و با توجه به مقتضیات جنگ، به سمت متحدین یا متفقین چرخش پیدا می‌کردند. در جنوب ایران طوایف قشقایی، عرب و بختیاری در تیرس تبلیغات عاصم بیگ قرار داشتند. مجتهدین شیعه در نجف و کربلا فتواهای جهادی خود را به طوایف جنوب ایران ارسال کردند (BOA,DH.SFR.D:444,G:112). عثمانی‌ها بر روی طوایف قشقایی حساب ویژه‌ای باز کرده بودند زیرا ازنظر زبانی هر دو ترک بودند و احساس نزدیک‌تری به هم داشتند. تخمین زده می‌شد ده هزار نیروی قشقایی می‌تواند موازنه را به نفع ترکان تغییر دهد. سفارت عثمانی در تهران به‌عنوان پل ارتباطی نیروهای نظامی ترک و آلمانی و ایلات عمل می‌کرد و عملیات خرابکارانه را تحت نظر داشت.

عاصم بیگ، مدیر سابق دارالمعلمین بورسا به نام شریف افندی را باهدف سازماندهی فعالیت‌های خرابکارانه نظامی به منطقه فرستاد (ATASE,BDH Kol.K.250,D.28,F.1040-1) و تلاش زیادی کرد قشقایی‌ها و بختیاری‌ها را با خود همراه کند. ولی درنهایت به این نتیجه رسید تضمینی برای همراهی این ایلات با عثمانی وجود ندارد (BOA,DH.EUM.7.ŞB.2/45)؛ زیرا انگلیسی‌ها بانفوذی که در جنوب ایران داشتند، با مجموعه‌ای از مشوق‌های مالی، سیاسی و امنیتی، طوایف بختیاری و قشقایی را به سمت خود جذب کردند و بین آن‌ها سلاح تقسیم کردند (BOA,HR.SFR.D: (20)121/47.Lef:2). طوایف عرب که همچنان بر مخالفت با انگلستان مصمم بودند، تنها نیروی کارآمد برای مقاصد عاصم بیگ بودند. برنامه ترکان در جنوب بر نابودی منابع

نفتی انگلیسی‌ها متمرکز شد و سفارت عثمانی نظارت مستقیمی براین عملیات داشت. با همکاری افسران آلمانی و عثمانی، لوله‌های نفتی انگلیسی‌ها در مراکز مختلف عرب نشین در شهرهای اهواز و مسجدسلیمان منفجر شدند (BOA,HR.SYS.D:2337/6.Lef:20). انگلستان با بسیج نیروهای بختیاری و عقد قرارداد با آن‌ها، نه‌تنها از جذب آن‌ها به اتحاد اسلامی مدنظر عاصم بیگ جلوگیری کرد، بلکه متحدین را از تخریب بیشتر سازه‌های نفتی بازداشت (Garthwaite, 1972: 41). عاصم بیگ همین سیاست را در قفقاز نیز پیگیری کرد و تصمیم گرفت به منابع نفتی روسیه ضربه بزند. او ده کیلوگرم دینامیت از خانقین تهیه کرد و از طرف تهران به باکو فرستاد تا نیروهای عثمانی، پل‌های ارتباطی حمل نفت را منهدم کنند (BOA,HR.SFR.D: (20)124/33.Lef:5).

کشاکش میان میدان و دیپلماسی ترکان عثمانی در ایران

دستگاه دیپلماسی عثمانی در تهران، باسیاست‌های نظامی تشکیلات مخصوصه، فعالیت‌های انفرادی و بدون هماهنگی با سفارت موافق نبود. همچنین اقدامات خودسرانه وابستگان نظامی آلمان‌ها در ایران مورد انتقاد همیشگی عاصم بیگ قرار داشت. عاصم بیگ به استقلال دیپلماسی و سیاست در برابر گسترش روزافزون نظامی‌گری معتقد بود و به ضرورت حفظ پروتکل‌های دولتی تاکید داشت و آنها را به خطر نمی‌انداخت. سابقه درگیری او در وزارت امورخارجه با نظامیان در سالهای گذشته موید این مطلب است (Karal, 2011: 165-166). هنگامی که انور پاشا به سفارت عثمانی در تهران دستور داد تمام پرسنل سیاسی و نظامی عثمانی موظف هستند همکاری همه جانبه‌ای با ژنرال فن در گولتس رئیس ستاد مشترک آلمان‌ها و ترکان داشته باشند و رونوشتی از گزارش‌های خود را در اختیار او قرار دهند، باعث خشم و عکس العمل عاصم بیگ شد. عاصم بیگ به انور پاشا اطلاع داد اجازه نخواهد داد نظامیان بر خط سیاسی سفارت مسلط شوند و اختیار سفارت را در دست بگیرند و ارسال هرگونه نوشته محرمانه سفارت به نظامیان کشور دیگر، مسبوق به سابقه نیست (BOA, HR. SYS. D: 2339, G: 10). فن در گولتس به انتقاد از سفیر عثمانی دست زد و سیاست‌های عاصم بیگ را خودسری و ناهماهنگی بخش‌های غیرنظامی عثمانی دانست (Goltz, 2012: 153).

عاصم بیگ تلاش داشت سفارت به‌عنوان ثقل تصمیم گیری در مورد تحولات ایران عمل کند و وزارت جنگ در راستای اهداف و دستورات سیاسیون حرکت کند؛ اما با تمام تلاش‌هایی که عاصم بیگ برای استقلال دستگاه دیپلماسی در برابر نظامیان عثمانی انجام داد، بارها میان دو طرف چالش‌های جدی

درگرفت. ناسازگاری‌هایی که از دید بعضی پژوهشگران، یکی از عوامل شکست طرح اتحاد اسلامی بود و منتقدان عاصم بیگ را به عدم انعطاف در شرایط فوق العاده جنگی متهم می‌کنند و آن را یکی از نکات منفی سفارتش تلقی می‌کنند (Çolak, 2006: 104). حفظ تعادل سیاسی و نظامی برای سفارت عثمانی در چنین شرایطی دشوار بود. بروز اولین نشانه‌های تعارض میان نظامیان و دیپلمات‌های عثمانی در ایران، اعتراضات پی در پی عاصم بیگ به استانبول را به دنبال داشت. عاصم بیگ به دولت عثمانی گزارش داد فرماندهان نظامی که به ایران گسیل می‌شوند، باید بر طبق دستورالعمل‌های سفارت عثمانی عمل کنند. اگر این کار را نکنند مشروعیت به دست آمده از بین خواهد رفت و افکار عمومی بر ضد ترکان خواهد شد. انور پاشا از استانبول در دستورالعملی به نیروهای نظامی دستور داد با سفارت عثمانی در تهران هماهنگ باشد (BOA,HR.SYS.D:2337,G:3,13). دستور مشابهی هم به سفارت تهران ارسال شد و از عاصم بیگ خواسته شد برای رفع نیازهای گروه رئوف بیگ و نیروهای داوطلبی که از داخل ایران جمع آوری کرده بود، اقدامات لازم را انجام دهد (BOA,HR.SYS.D:2337,G:3,15). از سوی وزارت جنگ عثمانی نیز به سفیر اطلاع داده شد دولت عثمانی به تمام نیروهای اداری، سیاسی و قضایی خود در ایران دستور ضروری داده است تا بدون هماهنگی با عاصم بیگ کاری را از پیش نبرند (BOA,HR.SFR.D: (20)123/24.Lef:14). با این دستورالعمل‌ها، باب عالی زمین بازی را در اختیار عاصم بیگ قرار داد اما چالش‌های آینده نشان داد این تنش‌ها با چند دستورالعمل قابل رفع نبود.

یکی از این چالش‌ها، حملات گروه‌های نظامی عثمانی به شهرهای مختلف ایران و شایعاتی مبنی بر تصمیم ترکان برای تجزیه غرب ایران بود. نظامیان ترک مدعی بودند هدف آنها در حمله به شهرهای ایرانی، خارج کردن نیروهای روسی از منطقه است و علاقه‌ای به تصرف رسمی این شهرها ندارند (بیات، ۱۳۶۹: ۲۲۵). به زعم عاصم بیگ، این گونه حملات، از سوی آحاد ایرانیان به تعرض سرزمینی تعبیر خواهد شد و تلاش‌های دیپلماتیک او را تحت شعاع قرار خواهد داد. عاصم بیگ، فعالیت‌های عمر ناجی و سایر گروه‌ها را تاثیر گذار نمی‌دانست (Tetik, 2018: 252) و مخالف فعالیت این گروه‌ها در ایران بود. او اعتقاد داشت اقدامات خصمانه نظامیان، خوشایند مردم ایران نیست و بازتاب منفی در افکار عمومی دارد. همچنین او طرح گروه رئوف بیگ برای تصرف سنندج و کرمانشاه را احمقانه دانست که نتیجه‌ای جز به خطر افتادن منافع عثمانی در ایران نخواهد داشت (BOA,HR.SFR.D:

122/6, Lef:4(20)؛ خسروی‌زاده، قنبری، ۱۴۰۲: ۱۳–۱۲). چالش دیگر، اعدام حکام محلی ایرانی و روسای بعضی از ایلات به دست نیروهای نظامی عثمانی بود. با تصرف ساوجبلاغ، بانه و سقز، حاکمان آنها به بهانه حمایت از روس‌ها به جوخه اعدام سپرده شدند (BOA,HR.SFR.D: 123/24.Lef:23(20)) و به جای آنها، افراد مورد تایید عثمانی‌ها، قدرت را در دست گرفتند. با انتشار این خبر، عاصم بیگ تذکر داد بهتر است در جاهایی که به تصرف نیروهای عثمانی در آمده است، حکام طرفدار روسیه عزل و حکام ایرانی اعم از سنی یا شیعه به جای آنها منصوب شوند. به این ترتیب بر ایرانیان ثابت می‌شود که دولت عثمانی به دنبال تصرف خاک ایران نیست و *اقدام مجاهدان عثمانی، در راستای شکوه و عظمت عثمانی و اسلام و برادری با ایرانیان است*. در غیر اینصورت، نتایج رفتار ترکان در این مناطق فاجعه بار خواهد بود (BOA,HR.SFR.D: 123/10.Lef:2(20)). گویا سفیر درست پیش‌بینی کرده بود زیرا بعد از عقب‌نشینی نیروهای عثمانی، مردم خشمگین این شهرها، به سمت روس‌ها متمایل شدند و با حمله به کنسول گری‌های عثمانی، خشم خود را از عملکرد ترکان نشان دادند (BOA,HR.SFR.D: 123/24.Lef:14(20)). تکرار این حوادث در ماجرای حمله به تبریز، وضعیت را پیچیده‌تر کرد. شایعاتی مبنی بر غارت مردم و اخذ مالیات جنگ توسط ترکان وجود داشت. رئیس الوزراء در برابر این رفتارهای ترکان، بارها عاصم بیگ را فراخواند و اعتراض شدید دولت ایران را به او ابلاغ کرد. با آنکه چندین بار عاصم بیگ ضمانت کرد دیگر این اتفاقات رخ نخواهد داد (BOA,HR.SFR.D: 123/24.Lef:16(20))، اما با تکرار حوادث مشابه، اعتبار سفیر در برابر سیاسیون ایرانی لکه دار شد. با وخیم‌تر شدن اوضاع جنگ، نظامیان دست بالاتری به دست آوردند. نظامیان ترک، انفعال دستگاه دیپلماسی در برابر تهاجمات نظامی روسیه و مخالفین عثمانی را به شدت ویرانگر می‌دانستند. این امر منجر به درگیری مستقیم دو طرف و پرونده سازی علیه یکدیگر شد.

رفیق بیگ کنسول عثمانی در کرمانشاه از طرف عمر فوزی بیگ وابسته نظامی عثمانی به کم‌کاری و فساد متهم شد. عاصم بیگ با حمایت از کارکنان خود به‌صورت جدی به وزارت جنگ توصیه کرد باشرافت دستگاه دیپلماسی بازی نکنند (Tetik, 2018: 263-264). در موردی دیگر، حاکم موصل که عملیات ترکان را در آذربایجان تحت کنترل داشت، تحسین بیگ کنسول عثمانی در ساوجبلاغ را به ضعف در برابر نیروهای روسی متهم کرد و درخواست نمود برای او دادگاه نظامی تشکیل شود.

عاصم بیگ با حمایت از کنسول خود، این حادثه را سوءتفاهم تعبیر کرد (BOA,DH.EUM.2.ŞB.3/40) و در برابر فشار نظامیان به کنسول‌های خود مقاومت کرد.

محمد راغب بیگ که مهم‌ترین کنسول عثمانی در منطقه بود، ابراهیم فوزی بیگ فرمانده مجاهدین عثمانی را متهم کرد زمانی که تبریز به اشغال روس‌ها در آمده است، از ترس با مجاهدان دیگر فرار کرده است و حتی به کنسول اطلاع نداده‌اند که روس‌ها در حال حمله به کنسولگری هستند (BOA,HR.SFR.D: (20)123/17.Lef:38). ابراهیم فوزی بیگ نیز متعاقباً، محمد راغب بیگ را به سرقت اموال کنسولگری متهم کرد و حمایت عاصم بیگ از چنین دزدی را ضربه به اعتبار دولت عثمانی دانست (BOA,HR.SFR.D: (20)123/14.Lef:15). با شکست نظامی ترکان، کنسولگری‌های عثمانی یک‌به‌یک موردحمله روس‌ها قرار گرفتند و متصرف شدند. کنسولگری عثمانی در تهران، آخرین هدف روس‌ها بود. روس‌ها در فوریه ۱۹۱۶ م، با شکست نیروهای مشترک عثمانی، آلمان و مجاهدان ایرانی در کرمانشاه، به سمت تهران پیشروی کردند. عاصم بیگ در اوایل فوریه ۱۹۱۶ م، درحالی‌که برای شکار به اطراف کرج سفرکرده بود، توسط نیروهای قزاق تحت فرماندهی روس‌ها به همراه چهار اروپایی دیگر دستگیر شد و به پتروگراد روسیه تبعید شد. در دستگیری عاصم بیگ، روس‌ها به‌گونه‌ای انتقام خود را از عاصم بیگ گرفتند و سعی کردند عناصری که منافع آن‌ها در ایران را تهدید می‌کرد، از میان بردارند. بعدازاین حادثه، دولت عثمانی با یادداشتی از طریق پادشاهی اسپانیا که حفاظت از منافع عثمانی را بر عهده داشت، درخواست کرد که مداخله کند و اعلام کرد اگر دولت روسیه، عاصم بیگ را آزاد نکند، در اقدامی تلافی‌جویانه، دولت عثمانی به اتباع و مقامات روسی در خاک عثمانی فشار وارد خواهد کرد. وزارت امور خارجه روسیه به دلیل نگرانی‌های پیش رو، به‌سرعت پاسخ داد و مدعی شد احتمالاً اشتباهی رخ‌داده است (BOA,HR.SYS.D:2160,G:2). درنهایت با آزادی عاصم بیگ موافقت شد و وزیر امور خارجه روسیه به سفیر اسپانیا اطلاع داد عاصم بیگ می‌تواند از روسیه به سوئد برود. بدین ترتیب این بحران به پایان رسید. عاصم بیگ بعد از دو ماه اسارت، توسط سفیر اسپانیا، از پتروگراد تا مرز روسیه همراهی شد. او سپس از مسیر سوئد و آلمان، خود را به استانبول رساند (Yüksel, 2019: 171).

نتایج پژوهش

باوجود اعلام بی‌طرفی ایران در خلال جنگ جهانی اول، این کشور به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی حساس خود به عرصه مداخلات قدرت‌های خارجی تبدیل شد. ایران برای روسیه و امپراتوری عثمانی از منظر ژئوپلیتیک و برای آلمان ازلحاظ ژئواستراتژیک، اهمیتی راهبردی داشت. در همین راستا، عثمانی برای تقویت نفوذ خود در ایران، عاصم بیگ، دیپلماتی برجسته و کارآزموده را به‌عنوان سفیر برگزید. عاصم بیگ که در میان ایرانیان به دلیل نگاه تاریخی آن‌ها به ترک‌ها با عنوان «شیخ‌الوزرا» شناخته می‌شد، مأموریت یافت تا سیاست‌های نوینی را برای تحقق این اهداف طراحی و عملیاتی کند. ازجمله اولویت‌های کلیدی این سیاست‌ها، ترمیم روابط تیره گذشته میان ایران و عثمانی و جلب رضایت ایرانیان برای ایجاد نوعی اتحاد نظامی با عثمانی بود. برخلاف رویکرد نظامی‌گرایانه مرسوم، عاصم بیگ سیاستی مبتنی بر اصل «برد–برد» و تأمین منافع متقابل را در دستور کار قرار داد. او با انجام رایزنی‌های گسترده با احزاب و گروه‌های مختلف در مجلس و حکومت ایران، تلاش کرد حمایت سیاسی لازم را جلب کند. بااین‌حال، علی‌رغم تلاش‌های فراوان، تنها بخشی از حزب دموکرات با اهداف عثمانی همسو شدند و عاصم بیگ نتوانست ایران را به‌طور رسمی وارد جنگی همه‌جانبه علیه متفقین کند. تمرکز دیگر عاصم بیگ تلاش برای پذیرش خلافت عثمانی در ایران و از بین بردن اختلاف شیعه و سنی بود. او نقش محوری در پیشبرد سیاست‌های عثمانی برای تحریک احساسات مذهبی و جلب حمایت ایران در قالب «جهاد اکبر» ایفا کرد. این راهبرد، بخشی از تلاش گسترده عثمانی برای بسیج مسلمانان علیه قدرت‌های متفقین، به‌ویژه بریتانیا و روسیه، بود. عاصم بیگ با تأکید بر اشتراکات دینی و تاریخی میان دو ملت و بهره‌گیری از نفوذ علمای مذهبی، سعی داشت ایرانیان را به مشارکت در یک اتحاد اسلامی علیه دشمنان مشترک ترغیب کند. در این راستا، عاصم بیگ و تیمش سعی کردند با استفاده از تعصب مذهبی در میان ایلات ایرانی، آن‌ها را به جهاد و عدم تسلیم در برابر روسیه تشویق کنند. عاصم بیگ همچنین از ابزارهای دیپلماتیک و سیاسی، ازجمله برقراری ارتباط با گروه‌های سیاسی و مذهبی در ایران، برای تقویت این ایده استفاده کرد. هرچند درنتیجه این اقدامات، برخی ایلات غرب و جنوب غرب ایران به مقوله جهاد پیوستند و در مواقعی مواضع ایران و عثمانی را به هم نزدیک کند، اما ناتوانی استانبول در عمل به وعده‌های خود و ارائه پشتیبانی نظامی، باعث برتری روس‌ها و انگلیسی‌ها در ایران شد و نتایج ملموسی که ترکان انتظار آن را داشتند، به دست نیامد و تأثیری جز «آشوب معنوی» شیعیان، بر ضد روسیه و انگلیس نداشت. در عرصه میدانی،

عاصم بیگ به‌عنوان یک دیپلمات واقع‌بین و سرسخت، دیدگاه متفاوتی نسبت به سیاست‌های نظامی دولت عثمانی و آلمان در ایران داشت. او با رویکردهای مداخله‌گرایانه و غیرعملیاتی، به‌ویژه فعالیت‌های گروه رئوف بیگ و طرح‌های نفوذ در افغانستان و هند، مخالفت می‌کرد و این برنامه‌ها را ناسازگار با واقعیت‌های میدانی ایران می‌دانست. عاصم بیگ که بیش از هر چیز به پایداری و اثربخشی سیاست‌های دیپلماتیک باور داشت، بدون هراس از انتقاد، رویکردهای نظامی‌گرایانه را به چالش می‌کشید و بر استفاده از روش‌های دیپلماتیک برای پیشبرد اهداف عثمانی تأکید داشت.

منابع و مطالعات

منابع فارسی

ـــ اتابکی، تورج (۱۳۸۷)، ایران و جنگ جهانی اول، میدان نبرد قدرت‌های بزرگ، تهران: ققنوس

ـــ بهار، ملک الشعراء (۱۳۹۹)، تاریخچه سه‌ساله و نیمه ما و جنگ (۱۹۱۷-۱۹۱۴)، روس و انگلیس؛ آلمان و عثمانی و ایران، به کوشش کاوه بیات، تهران: شیرازه.

ـــ بیات، کاوه (۱۳۶۹)، ایران و جنگ جهانی اول؛ اسناد وزارت داخله، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

ـــ خسروی زاده، صباح، پورمحمدی املشی، نصرالله، فلاح توتکار، حجت۱۳۹۹، منابع آگاهی دیپلماتیک در ایران دوره‌ی قاجار ، پژوهش های تاریخی ایران و اسلام بهار و تابستان، شماره ۲۶، صص۹۳-۱۱۴.

ـــ خسروی زاده، صباح؛ قنبری، صباح (۱۴۰۲) «اردوی اتحاد اسلامی حسین رئوف بیگ و اشغال کرمانشاه در جنگ جهانی اول»، فصلنامه گنجینه اسناد، سال ۳۳، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۲. صص ۷-۳۱.

ـــ سپهر، احمدعلی (۱۳۹۵)، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴، به کوشش کبری شاه پری، تهران: پژواک کیوان.

ـــ سنجابی، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، ایل سنجابی و مجاهدت ملی ایران، خاطرات علی‌اکبر خان سنجابی، سردار مقتدر تهران: پردیس دانش.

ـــ طولابی، توران ۱۴۰۲ ، تهاجم عثمانی به غرب ایران در جنگ جهانی اول و پیامدهای آن: پژوهشی بر پایه اسناد ، پژوهش های تاریخی ایران و اسلام بهار و تابستان، شماره ۳۲، صص۲۴۹ - ۲۷۴

ـــ کحال زاده، میرزا ابوالقاسم خان (۱۳۷۰)، دیده‌ها و شنیده‌ها، خاطرات میرزا ابوالقاسم خان کحال‌زاده منشی سفارت امپراتوری آلمان در تهران، به کوشش مرتضی کامران، تهران: نشر البرز.
ـــ کمره ای، سید محمد (۱۳۹۸)، روزنامه خاطرات، به کوشش محمد جواد مرادی نیا، تهران: شیرازه.
ـــ مابرلی، جیمز فردریک (۱۳۶۹)، عملیات در ایران (جنگ جهانی اول)، ترجمه کاوه بیات، تهران: رسا
ـــ مستوفی، عبداله (۱۳۷۷)، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران: زوار.
ـــ نظام مافی، رضاقلی (۱۳۶۳)، کتاب سبز، تهران: نشر تاریخ ایران.
ـــ نوروزی، فرشید، خسروبیگی، هوشنگ، دهنوی، نظامعلی، علی صوفی، علیرضا ۱۴۰۲ ، نوسازی نظام اداره تقسیمات کشوری در دوره احمد شاه قاجار (۱۳۰۴–۱۲۸۸ ش) ، پژوهش های تاریخی ایران و اسلام بهار و تابستان، شماره ۳۲، صص۳۸۳ – ۴۰۷.
ـــ نیدر مایر، اسکارفن (۱۳۶۳)، زیر افتاب سوزان ایران، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: نشر تاریخ ایران.
ـــ وزینی افضل، مهدی؛ دهقانی، مهدی (۱۴۰۳)، «صدور فتاوی جهادی ترکان عثمانی و بازخورد آن در جهان اسلام در جنگ جهانی اول»، فصلنامه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۵۵.

آرشیو نخست وزیری عثمانی Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA)
آرشیو اداره تاریخ ستاد کل نظامی و مطالعات استراتژیک Genelkurmay Askeri Tarih ve Stratejik Etüt Daire Başkanlığı Arşivi (ATASE)

__ BOA, DH. EUM. 2. ŞB. 2/68.
__ BOA, DH. EUM. 2. ŞB. 3/40.
__ BOA, DH. EUM. 2. ŞB. 4/44.
__ BOA, DH. EUM. 7. ŞB. 2/62.
__ BOA, DH. EUM.7. ŞB. 2/45.
__ BOA, DH. SFR. D: 444, G: 112.
__ BOA, DH. ŞFR. D: 452/60
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 120/81. Lef: 16.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 121/47. Lef: 2.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 121/49, Lef: 2.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 121/82. Lef: 7.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 122/6, Lef: 10.

__ BOA, HR. SFR. D: (20) 122/6, Lef: 39.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 122/6, Lef: 4.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 123/10. Lef: 2.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 123/14. Lef: 15.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 123/17. Lef: 38.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 123/24. Lef: 14.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 123/24. Lef: 16.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 123/24. Lef: 23.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 123/61. Lef: 1.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 124/33. Lef: 5.
__ BOA, HR. SFR. D: (20) 125, G:33.
__ BOA, HR. SFR. D: (3) 655, G: 5.
__ BOA, HR. SYS. D. 2337, G: 3, 24.
__ BOA, HR. SYS. D: 2160, G: 2.
__ BOA, HR. SYS. D: 2337, G.3, 15.
__ BOA, HR. SYS. D: 2337, G: 12.
__ BOA, HR. SYS. D: 2337, G: 3, 16.
__ BOA, HR. SYS. D: 2337, G: 9. 1.
__ BOA, HR. SYS. D: 2337, G: 9. 2.
__ BOA, HR. SYS. D: 2337, G:12, 30.
__ BOA, HR. SYS. D: 2337, G:3, 13.
__ BOA, HR. SYS. D: 2337,G:9,14.
__ BOA, HR. SYS. D: 2337/3, Lef: 16.
__ BOA, HR. SYS. D: 2337/6. Lef: 20.
__ BOA, HR. SYS. D: 2338, G: 25, 1.
__ BOA, HR. SYS. D: 2338, G: 31, 1.
__ BOA, HR. SYS. D: 2338, G: 37, 1.
__ BOA, HR. SYS. D: 2338, G: 94, 10.
__ BOA, HR. SYS. D: 2338, G: 94, 15.
__ BOA, HR. SYS. D: 2338, G: 94, 16.
__ BOA, HR. SYS. D: 2338, G: 94, 7.
__ BOA, HR. SYS. D: 2338, G: 94, 9.
__ BOA, HR. SYS. D: 2338, G: 94.
__ BOA, HR. SYS. D: 2338, G: 95.
__ BOA, HR. SYS. D: 2339, G: 10
__ BOA, HR. SYS. D: 2339, G: 11.

__ BOA, HR. SYS. D: 2339, G: 16, 3.
__ BOA, HR. SYS. D: 2339, G: 74, 4.
__ ATASE, BDH Kol. K.250, D. 28, F.1040-1.

منابع ترکی استانبولی

Alparslan, Serkut. (2018), MwŞrutiyet DÖnemi Hariciye Nazirlarindan Asim Bey'in (Mustafa Asim Turgut) Osmanli /Türk diplomasisindeki Yeri (1908-1918), Dokuz Eylül Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Tarih Anabilim Dali, Tarih Programi, Yüksek Lisans Tezi, İzmir.

Arıkan, Mustafa. (2010). Osmanlı Arşiv Vesikalarına Göre Osmanlı-İran İlişkileri (1914-1918). Yayınlanmamış Yüksek Lisans Tezi, Gazi Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü.

Arıkan, Mustafa. (2017). "Harb-i Umûmî'de Osmanlı Devleti'nin İran Cephesi'nde Yaşadığı Bazı İstihbarat Zaafları.

Bayur, Yusuf Hikmet. (1991). Türk İnkılâbı Tarihi, Ciltler: II-III, 3. Baskı, Ankara: Türk Tarih Kurumu Yayınları.

Bulut, Bilge ve Yayınları, Pencere. (2009). İran İmparatorluğu Dışişleri Bakanlığı Diplomatik Belgeleri İran'ın Tarafsızlığı, İstanbul.

Çolak, Mustafa. (2006). Osmanlı – Alman İlişkileri Çerçevesinde Harbiye Nazırı Enver Paşa ve Türkçü Politikaları (1913-1918), Isparta: Fakülte Kitabevi.

Garthwaite, Gene. (1972). "The Bakhtiyari Khans the Government of Iran and the British 1846-1915", International Journal of Middle East Studies, Vol. 3, No. 1, Cambridge University Press, January.

Goltz, Colmar Von Der. (2012). Yirminci Yüzyıl Başlarında Osmanlı-Alman İlişkileri "Golç Paşa'nın Hâtırâtı", haz. Faruk Yılmaz, İstanbul: İz Yayıncılık.

Kabacali, A. (2000). Talat Paşa'nın Anıları. İstanbul: Türkiye İş Bankası Kültür Yayınları.

Kandemir, (1936). "Avcı Eski Bir Diplomat Bay Asım", 7Gün Dergisi, Cilt: 7, No: 162, İstanbul.

Karacagil, Ö. Kürşad. (2014). "I. Dünya Savaşı'nda Osmanlı Devletinin İran'la İttifak Kurma Arayışları", OTAM, 36, s. 95-116.

Karal, Enver Ziya. (2011). Osmanlı Tarihi: II. Meşrutiyet ve Birinci Dünya Savaşı (1908-1918), Cilt: IX, 3, Ankara: Baskı (Tıpkı Basım) Türk Tarih Kurumu Yayınları.

Keleşyılmaz, V. (1999). Teşkilat-ı Mahsusa'nın Hindistan Misyonu (1914-1918). Ankara: Atatürk Araştıma Merkezi Yayınları.

Kırca, Ersin, ve diğerleri. (2015). Osmanlı Belgelerinde Birinci Dünya Harbi, Cilt: I, İstanbul: Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü Yayınları.

Kurtcephe, İsrafil ve Akgül, Suat. (1995). "Rusya'nın Birinci Dünya Savaşı Öncesinde Kürt Aşiretleri Üzerindeki Faaliyetleri", OTAM (Ankara Üniversitesi Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergisi), sayı: 6.

Metin, Barış. (2007). *Birinci Dünya Savaşı'nda İran Coğrafyasında Etnik, Dini ve Siyasi Nüfuz Mücadeleleri*, Ankara: (Gazi Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Doktora Tezi).

Pakalın, Mehmed Zeki. (2008). Sicill-i Osmanî Zeyli: Son Devir Osmanlı Meşhurları Ansiklopedisi, Ankara: Türk Tarih Kurumu Yayınları.

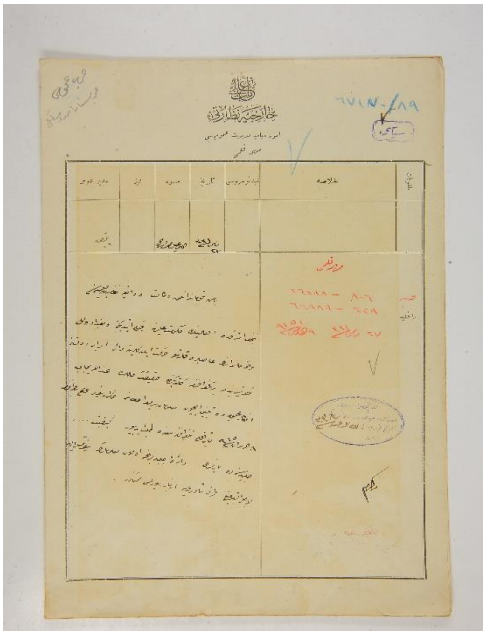
Qehremanov, Nazim. (2007). I Dünya Müharibesinde Qafqaz Cebhesinde Ermeni Amili, Bakı: Herbi Neşriyyat.

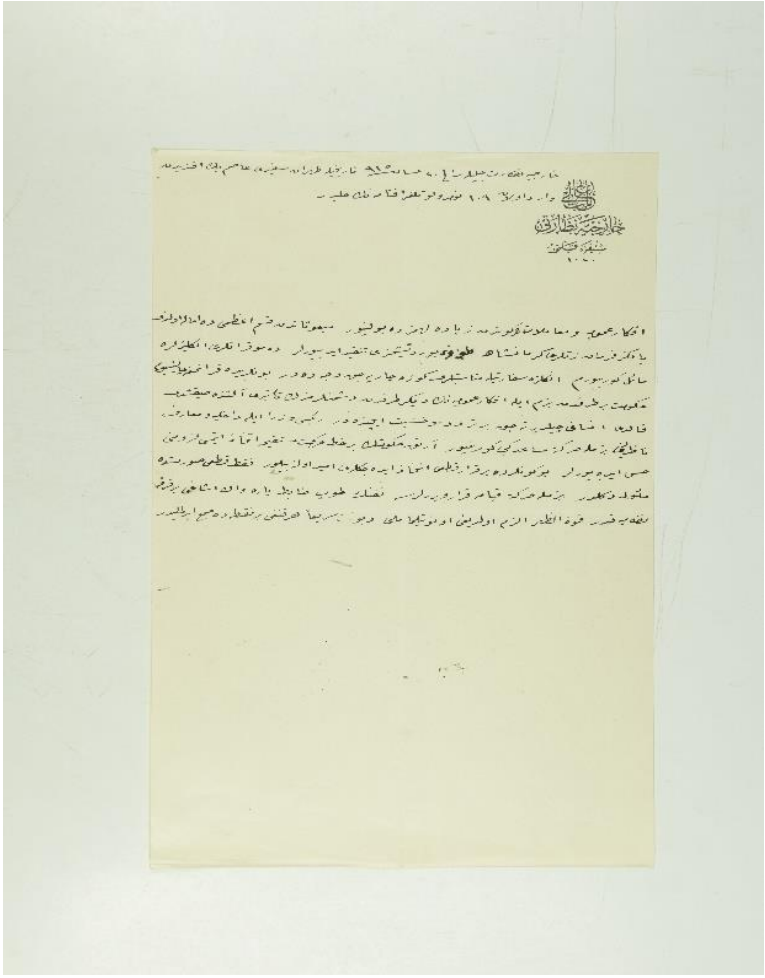
Sarısaman, Sadık. (1996). "Birinci Dünya Savaşı Sırasında İran Elçiliğimiz İle İrtibatlı Bazı Teşkilat-ı Mahsusa Faaliyetleri", *OTAM*, 7, s. 209-217.

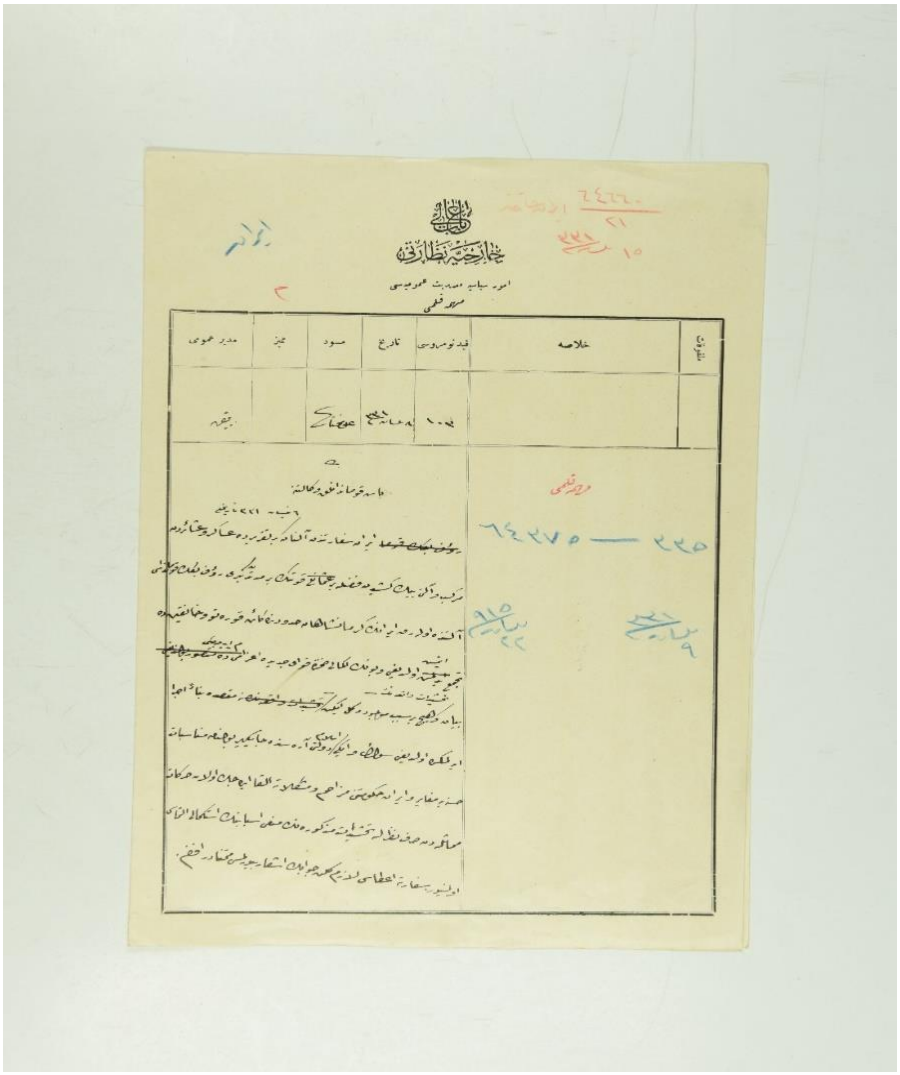
Söylemezoğlu, Galip Kemali. (1950). (Eski Moskova Sefiri): Hariciye Hizmetinde Otuz Sene 1892-1922, Birinci Cild, İstanbul: Şaka Matbaası.

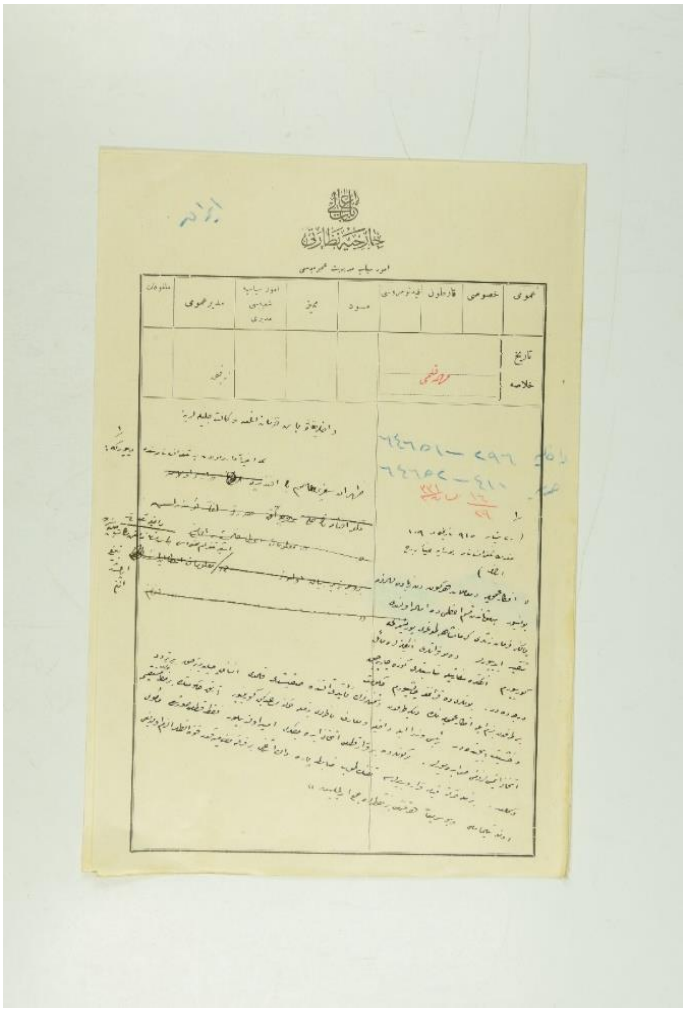
Tetik, Ahmet. (2018). Teşkilat-ı Mahsusa (Umûr-ı Şarkıyye Dairesi) Tarihi, C. 1: 1914-1916, İstanbul: İş Bankası Kültür Yayınları.
Uluğbay, H. (2008). İmparatorluk'tan Cumhuriyet'e Petropolitik. Ankara: De ki Basım Yayın.
Yüksel, Çağdaş. (2019). Birivci Dünys SavaŞi Yillarinda TeŞkilat-I Mahsusa Pamukkale Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Tarih Anabilim Dalı, Türkiye Cumhuriyeti Tarihi Programı, Doktora Tezi, İzmir.

پیوست: چند سند از اسناد عاصم بیگ در آرشیو نخست‌وزیری عثمانی

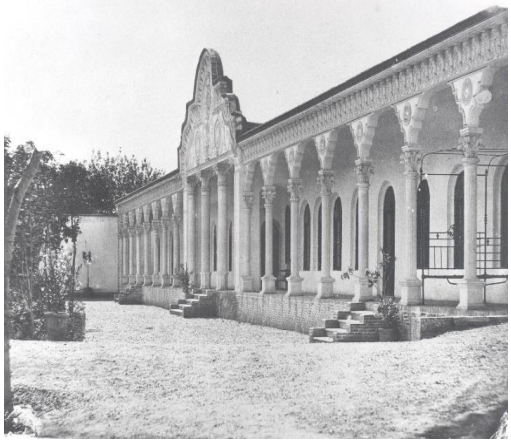












تصویر سفارت عثمانی در تهران در دوره قاجار (اسناد کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۰۲، عکس شماره ۳۱ و ۳۲)